گزارش

کلانتری در مسیر سیلاب

نوراحسینی

در ابتدای خیابان جلالوند زعفرانیه پشت حصارها، کارگاهی زمینی وجود دارد که قرار است ساختمان چهارطبقه‌ای با کاربری انتظامی در آن ساخته شود. اما همین زمین به گفته متخصصان، درست در مسیر طبیعی رواناب‌های البرز جنوبی قرار گرفته؛ جایی که خاطره سیلاب‌های تجریش، گلابدره و امامزاده داوود هنوز از حافظه تهران پاک نشده است. منتقدان این پروژه معتقدند محل انتخاب‌شده با ضوابط طرح تفصیلی و قوانین حفاظت از حریم رودخانه‌ها نیز همخوانی ندارد. تهران بارها بهای ساخت‌وساز در مسیر آب را پرداخته است. از سیلاب تجریش تا فاجعه امامزاده داوود هر بار آب تنها آب نبوده است؛ سنگ تنه درخت، گل و آوار را با خود آورده و هرجا مسیر طبیعی‌اش بسته شده، راه تازه‌ای برای عبور پیدا کرده است. حالا نگرانی‌ها درباره زمینی در ابتدای خیابان جلالوند زعفرانیه شکل گرفته است؛ زمینی که در پایاب آبراهه‌های البرز جنوبی قرار دارد و برای احداث یک ساختمان چهارطبقه با کاربری انتظامی در نظر گرفته شده است.

بررسی‌های فنی نشان می‌دهد این محدوده بخشی از مخروط‌افکنه فعال شمال تهران است. به این معنا که هنگام بارش‌های شدید، رواناب‌های کوهستانی با سرعت زیاد به سمت این نقطه حرکت می‌کنند و تنها آب نیست که پایین می‌آید، بلکه رسوبات درشت، سنگ، تنه درخت و آوار نیز همراه جریان آب، وارد بافت شهری می‌شود. تجربه سیلاب‌های گذشته نیز نشان داده که همین ترکیب عامل اصلی تخریب و تلفات انسانی بوده است. کارشناسان هشدار می‌دهند حوضه‌های شمال تهران فرصت چندانی برای واکنش باقی نمی‌گذارند. فاصله آغاز بارندگی تا رسیدن سیلاب گاهی فقط چند دقیقه است. شیب زیاد آبراهه‌ها انرژی جریان را افزایش می‌دهد و با مسدودشدن کالورت‌ها یا پل‌ها مسیر آب تغییر می‌کند و وارد بافت شهری می‌شود. تحلیل مسیرهای رواناب نیز نشان می‌دهد جریان طبیعی آب مستقیم به سمت محل اجرای این پروژه هدایت می‌شود.

در چنین شرایطی نگرانی فقط متوجه ساختمان نیست. در سناریوی وقوع سیلاب، احتمال ورود ناگهانی آب به محدوده پروژه، برخورد سنگ و تنه درخت با سازه، انسداد کامل مسیرهای دسترسی و ازکارافتادن عملیات امدادی و انتظامی مطرح شده است. موضوعی که برای ساختمانی با کاربری حیاتی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند، زیرا چنین مراکزی باید درست در زمان بحران قابل استفاده باشند نه اینکه خود به بخشی از بحران تبدیل شوند.

اما ماجرا فقط به مخاطرات طبیعی محدود نمی‌شود. محل اجرای پروژه براساس طرح تفصیلی تهران در زیرپهنه G۳۱۲ یا «فضاهای میان رودخانه‌ها ـ حفاظت» قرار دارد؛ پهنه‌ای که زیرمجموعه محدوده حفاظت رودخانه‌هاست. ضوابط طرح تفصیلی تصریح می‌کند ساخت‌وساز در مسیر رودخانه و حریم قانونی آن ممنوع است و در سایر بخش‌های این پهنه نیز تنها با مطالعات زیست‌محیطی و هیدرولوژیک و تصویب کمیسیون ماده ۵ امکان اجرا دارد. از همین رو منتقدان پروژه معتقدند احداث یک ساختمان چهارطبقه در این محدوده علاوه بر مخاطرات فنی با ضوابط مصوب شهرسازی نیز محل پرسش است.

در کنار این موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی نیز رودخانه‌ها و آب‌های عمومی را جزء انفال و ثروت‌های عمومی می‌داند که باید براساس مصالح عمومی اداره شوند. همچنین قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری، تغییر کاربری پهنه‌های حفاظت رودخانه‌ها و فضاهای سبز را خارج از چارچوب‌های قانونی مجاز نمی‌داند.

نگرانی دیگری نیز در روزهای اخیر مطرح شده است. درختان موجود در محل اکنون در حصار کارگاهی قرار گرفته‌اند و احتمال قطع آنها برای آغاز عملیات ساختمانی وجود دارد. این در حالی است که مطابق قانون حفظ و گسترش فضای سبز، قطع‌کردن درخت بدون مجوز ممنوع است و علاوه بر جبران خسارت و جزای نقدی، در صورت قطع‌کردن بیش از ۳۰ اصله درخت، مجازات حبس نیز برای متخلفان پیش‌بینی شده است.

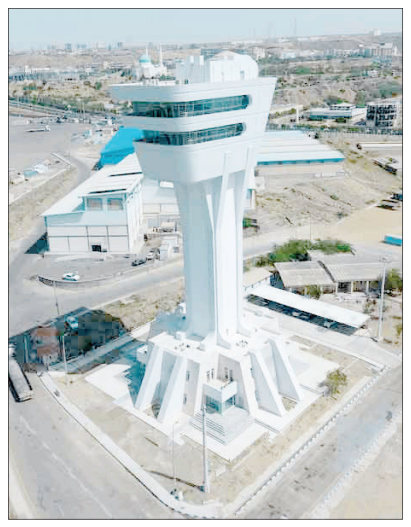

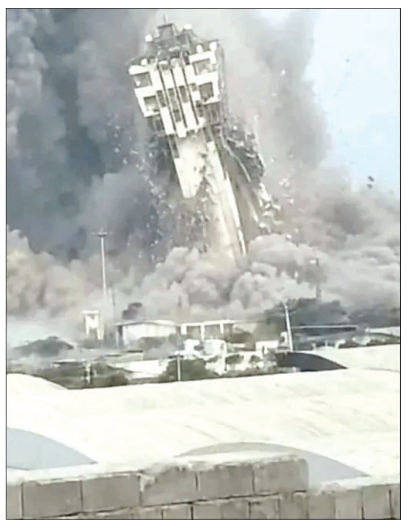

تخریب یک سازه یا گسست در روایت توسعه؟

چابهار پس از برج

فرنوش مخلص*

فروریزی برج مراقبت دریایی چابهار در پی حملات اخیر به زیرساخت‌های سواحل مکران، فراتر از یک خسارت فیزیکی، تکانه‌ای عمیق بر پیکره کالبدی و معنایی این منطقه است. بازتاب گسترده این رویداد در رسانه‌ها نشان می‌دهد این سازه فقط یک برج هدایتگر عملیاتی نبوده، بلکه به مثابه لنگرگاهی بصری و نمادین برای روایت توسعه چابهار عمل می‌کرده است.

این امر در بازدیدهای میدانی از بندر چابهار نیز نمودی دوچندان می‌یابد. برج مذکور از سوی بندر به عنوان یک نماد توسعه و رشد در بندر چابهار معرفی می‌شد و به عنوان یکی از افتخارات و دستاوردهای توسعه بندر و تأکید بر هاب دریایی چابهار از آن یاد می‌کردند. هم گرهی در زنجیره فرماندهی، نظارت و ایمنی دریایی به شمار می‌رفت و هم یکی از معدود نشانه‌های توسعه در شهری بود که سال‌هاست میان وعده‌های بزرگ ملی و واقعیت‌های محرومیت در فرایند توسعه معلق مانده است. به همین دلیل، حمله به این برج فقط حذف یک عنصر معماری نیست؛ گسستی است در پیوند میان بندر و شهر، میان زیرساخت و معنا، و میان پروژه‌های کلان توسعه و تجربه زیسته شهروندان.

اما سؤال این است که چرا این برج در روند توسعه چابهار اهمیت داشته و چه نقشی در منطقه و شهر ایفا می‌کرده است؟ چرا تخریب آن می‌تواند پیامدهای هویتی و معنایی برای چابهار داشته باشد؟

برای درک دقیق پیامدهای این تخریب، نیازمند واکاوی انتقادی توسعه در این منطقه هستیم؛ تحلیلی که نشان می‌دهد چگونه یک المان کالبدی، بار سنگین تزاحم میان برنامه‌های کلان ملی و محرومیت‌های خرد محلی را به دوش می‌کشیده است. از منظر کارکردی و در مقیاس ملی، برج مراقبت چابهار نقطه ثقل مدیریت توسعه ملی و حلقه واسط در زنجیره زیرساخت‌های حمل‌ونقل منطقه به شمار می‌رفت. در دهه‌های اخیر، تمرکز سیاست‌گذاران بر ارتقای چابهار به یک هاب دریایی استراتژیک، نیازمند کالبدهایی بود که اقتدار و توانمندی عملیاتی این بندر را در مقیاس فراملی بازنمایی کنند. این برج، مرز فرماندهی دریایی و نقطه اتصال شبکه ترانزیت اقیانوسی به پس‌کرانه‌های مواصلاتی کشور بود.

چابهار در منظومه توسعه ملی، جایگاهی استراتژیک و مهم دارد. این بندر نه‌فقط یک نقطه تجاری، بلکه یکی از مهم‌ترین اتصالات ایران به آب‌های آزاد و یکی از حلقه‌های راهبردی در کریدورهای حمل‌ونقل منطقه‌ای است. در چنین موقعیتی، برج مراقبت دریایی بخشی از زیرساخت مهم این جایگاه محسوب می‌شود. از یک سو در سامان‌دهی حرکت شناورها، افزایش ایمنی، هماهنگی عملیاتی و اتصال بندر به شبکه گسترده‌تر لجستیکی نقش دارد و از سوی دیگر در تثبیت تصویر چابهار به عنوان «هاب دریایی» کارکرد نمادین پیدا می‌کند. در بنادر مدرن، برج مراقبت فقط یک ایستگاه فنی نیست؛ نشانه‌ای از توان حکمرانی بر فضا، اطمینان از تداوم جریان کالا و نمایش قدرت سازمان‌دهی در مقیاس ملی است. از این زاویه، تخریب آن می‌تواند به اعتمادپذیری زیرساخت، ادراک ثبات و حتی جذابیت سرمایه‌گذاری در یکی از حساس‌ترین نقاط راهبردی کشور آسیب بزند. اما اهمیت برج مراقبت فقط در کارکرد فنی آن خلاصه نمی‌شود. آنچه این سازه را برای مردم چابهار برجسته می‌کرد، نقش معنایی و خاطره‌ای آن بود. در شهری که توسعه‌اش اغلب در سطح بندر، محوطه‌های لجستیکی، سازه‌های اداری و پروژه‌های کلان منطقه آزاد متمرکز شده و خود شهر از بسیاری خدمات، کیفیت فضایی و نشانه‌های توسعه محروم مانده است، برج مراقبت به یکی از معدود تصاویر و المان‌های ملموس توسعه تبدیل شده بود. در عکس‌های تبلیغاتی، گزارش‌های رسانه‌ای و حتی نگاه روزمره شهروندان، این برج نه‌فقط یک بنا، بلکه نشانه‌ای از حضور چابهار در نقشه آینده بود؛ تصویری که می‌گفت این شهر صرفا حاشیه‌ای فراموش‌شده نیست، بلکه در مدار توسعه ملی قرار دارد. برای جامعه‌ای که سال‌ها محرومیت را نه‌فقط در زیرساخت، بلکه در دیده‌نشدن تجربه کرده، چنین نشانه‌ای ارزشی مضاعف پیدا می‌کند. برج، در این معنا، حامل امید به پیوند با دریا، امید به رشد، و امید به عبور از حاشیه‌نشینی تاریخی بود. اینجاست که مسئله شهر و بندر اهمیت تحلیلی پیدا می‌کند. تجربه چابهار نمونه‌ای روشن از همان گسستی است که بسیاری از شهرهای بندری جهان با آن روبه‌رو شده‌اند: جدایی تدریجی بندر از شهر.

در گذشته، شهر و بندر یک کل به‌هم‌پیوسته بودند؛ اقتصاد، هویت، سبک زندگی و چشم‌انداز شهری از بندر تغذیه می‌کرد. اما با تخصصی‌شدن فعالیت‌های بندری، تقویت مرزهای امنیتی و غلبه منطق بهره‌وری و کنترل، بندرها به قلمروهایی جداشده از شهرهای بندری تبدل شدند؛ جاهایی که در جوار شهر سودرسانی و رشد داشته، اما کمتر در زندگی روزمره شهروندان و شهربندری، حضور دارند. نتیجه، شکل‌گیری دوگانگی‌ای آشناست: «بندر بدون شهر» و «شهر بدون بندر». چابهار نیز تا حد زیادی در همین وضعیت قرار دارد. توسعه در آن جریان دارد، اما این جریان لزوما به بهبود زیست شهری، ارتقای عدالت فضایی یا خلق حس رشد عمومی در شهر منجر نشده است.

در چابهار، توسعه بیش از آنکه توزیع شود، نمایش داده شده است و برج یکی از معدود صحنه‌های این نمایش بود. همانند یک مفصل ظریف میان جهان سخت لجستیک و ادراک شهری. همین دوگانگی، برج مراقبت را به یکی از معدود نشانه‌های قابل لمس توسعه تبدل کرده بود؛ نشانه‌ای که به شهر می‌گفت در حاشیه، فراموش نشده است. پیامدهای این تخریب را باید در دو سطح دید. در سطح نخست، آسیب به زیرساخت‌های حیاتی بندری به معنای افزایش هزینه‌های امنیت، کاهش تاب‌آوری، اختلال احتمالی در مدیریت ترافیک دریایی و ایجاد فشار بر زنجیره حمل‌ونقل منطقه‌ای است. در سطح دوم اما، اثر عمیق‌تری رخ می‌دهد؛ تضعیف روایت توسعه از منظر ادراک شهروند بندری.

شهری که سال‌ها توسعه را بیشتر در تصویرهای رسمی و پروژه‌های کلان دیده تا در کیفیت زندگی روزمره، اکنون یکی از معدود نشانه‌های عینی پیشرفت خود را نیز از دست داده است. این حذف، احساس توسعه‌نیافتگی را نه‌فقط بازتولید، بلکه تشدید می‌کند؛ زیرا شهروندان می‌بینند سازه‌ای که نماد ارزش و رشد بود، دیگر در افق شهر حضور ندارد. در چنین شرایطی، مسئله فقط از دست رفتن یک برج نیست، بلکه فرسایش سرمایه نمادین شهری است؛ سرمایه‌ای که در شهرهای محروم، از خود سرمایه مادی گاه مهم‌تر است.

از این منظر، تخریب برج مراقبت دریایی چابهار هشدار مهمی درباره ماهیت توسعه در سواحل مکران است. توسعه‌ای که فقط بر بندر، زیرساخت‌های سخت و منطق کلان لجستیکی متمرکز بماند، اما به پیوند آن با شهر، حافظه جمعی و کیفیت زیست روزمره بی‌اعتنا باشد، دیر یا زود با شکاف روبه‌رو می‌شود. چابهار برای آنکه واقعا به هاب دریایی پایدار و معتبر تبدیل شود، نیازمند توسعه‌ای است که هم کالبد بندر را تقویت کند و هم شهر را از حاشیه بیرون بیاورد؛ توسعه‌ای که نه‌فقط سرمایه و سود کلان اقتصادی، بلکه معنا، تعلق و عدالت فضایی را نیز مهیا کند.

برج مراقبت دریایی چابهار پیش از تخریب، در مرز میان عملکرد و معنا، میان فرماندهی و خاطره، میان بندر و شهر ایستاده بود. پس پرسش اصلی امروز فقط این نیست که چرا این برج هدف قرار گرفت، بلکه این است که چابهار پس از آن چگونه می‌تواند دوباره رابطه خود را با شهر و چشم‌انداز توسعه در آینده بازسازی کند؟ اگر توسعه قرار است در این شهر پایدار بماند، باید از منطق صرفا بندرمحور عبور کند و به بازسازی نشانه‌های شهربندری، تقویت پیوندهای عاطفی با مکان و بازتوزیع منافع در سطح محلی نیز بیندیشد. در غیر این صورت، چابهار همچنان بندری خواهد بود که رشد می‌کند، اما با شهری که زیر سایه آن با محرومیت و کمبود در تقلا خواهد بود.

و این، شاید عمیق‌ترین خسارت تخریب برج باشد؛ از دست رفتن یکی از آخرین نشانه‌هایی که به شهر می‌گفت توسعه هنوز می‌تواند به زبان خود چابهار هم سخن بگوید.

*** دکترای منظر شهری، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، ایران**

گزارش

در نخستین نشست پژوهشی پس از روشن‌شدن دوباره چراغ خانه وارطان مطرح شد

مرمت شهری؛ تجربه هست نظریه نه

شرق: چهار دهه از زمانی می‌گذرد که حفاظت از بافت‌های تاریخی به یکی از محورهای شهرسازی ایران تبدیل شد. در این سال‌ها، از خیابان‌کشی در دل محله‌های قدیمی تا اجرای طرح‌های احیا و بازآفرینی، تجربه‌های فراوانی در شهرهای مختلف به دست آمد. اما با وجود این سابقه، هنوز مرمت شهری در ایران بیش از آنکه بر یک نظریه بومی و منسجم تکیه داشته باشد، بر مجموعه‌ای از تجربه‌های پراکنده استوار است؛ تجربه‌هایی که بخش زیادی از آنها هرگز ثبت و تحلیل نشده‌اند. نخستین نشست از سلسله‌نشست‌های «هفت‌شهر» در خانه آفرینش‌های شهری (خانه وارطان) نیز با همین دغدغه برگزار شد؛ اینکه چرا حاصل دهه‌ها تجربه هنوز به دانشی تبدیل نشده که بتواند مسیر آینده حفاظت و بازآفرینی شهرهای تاریخی را روشن کند. وحید قاسمی، سردبیر و دبیر علمی سلسله‌نشست‌های «هفت‌شهر»، در آغاز این برنامه گفت خانه آفرینش‌های شهری قرار است محلی برای گفت‌وگو و بازخوانی تجربه‌های شهرسازی باشد؛ جایی که معماران، شهرسازان و پژوهشگران بتوانند تجربه‌های چند دهه گذشته را کنار هم قرار دهند و از دل آنها به فهمی مشترک درباره آینده شهر برسند. به گفته او، بخش مهمی از مطالعات مربوط به شهرهای تاریخی، شهرهای میانی و سکونتگاه‌های غیررسمی، امروز به حافظه شهرسازی ایران تبدیل شده و اگر این حافظه بازخوانی نشود، به‌تدریج از دست خواهد رفت.

حمیدرضا سپهری، معمار و مرمتگر، با تأکید بر اینکه شهر پیچیده‌ترین ساخته انسان است، گفت مرمت شهری تنها حفظ چند بنای تاریخی نیست، بلکه شناخت موجود زنده‌ای به نام شهر است؛ موجودی که بر فرهنگ، روابط اجتماعی و سبک زندگی مردم اثر می‌گذارد و هم‌زمان از آنها تأثیر می‌پذیرد. او تأکید کرد هر مداخله شهری باید از شناخت آغاز شود و این شناخت تنها با حضور در شهر به دست می‌آید. به اعتقاد سپهری، نمی‌توان پشت میز برای شهری تصمیم گرفت که کوچه‌ها، میدان‌ها، بازارها و زندگی روزمره آن دیده نشده باشد. تجربه او در شهرهایی مانند اصفهان، یزد و شیراز نیز نشان می‌دهد مطالعه اسناد و نقشه‌ها به تنهایی برای شناخت شهر تاریخی کافی نیست. سپهری در ادامه، یکی از مشکلات اصلی مرمت شهری را نبود زبان مشترک میان متخصصان دانست. به گفته او، بسیاری از مفاهیم این حوزه با ترجمه‌های متفاوت وارد ادبیات شهرسازی شده‌اند و همین موضوع باعث شده هنوز درباره بسیاری از اصطلاحات، توافقی وجود نداشته باشد.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
موسسه غیرتجاری مجتمع تجاری اداری سینا شهرک غرب (برج ستین)
بدین وسیله از کلیه مالکان محترم واحدهای اداری و تجاری برج ستین (سینا) شهرک غرب و یا (نماینده قانونی ایشان) دعوت به عمل می‌آید با به همراه داشتن مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه رسمی در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه
که در روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ ساعت ۱۴:۰۰ در طبقه دوم برج ستین واقع در آدرس : تهران، شهرک غرب، میدان صنعت، بلوار فرحزادی، بعد از حسن سیف، برج اداری تجاری ستین برگزار می گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه مجمع:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره، بازرس و مدیران مجتمع
۲- تصویب بیلان مالی سال ۱۴۰۴ حساب سود و زیان و دارائی ها و اموال
۳- هیئت مدیره برج تجاری اداری ستین
رییس هیئت مدیره آقای شاپور زارعی
موسسه غیرتجاری مجتمع تجاری اداری سینا شهرک غرب به شماره ثبت ۵۵۲۹۳
به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۰۶۸۰۳۰ و کد اقتصادی ۱۴۰۱۲۰۶۸۰۳۰
آدرس تهران میدان صنعت بلوار فرحزادی بعد از حسن سیف برج اداری تجاری ستین
پارکینگ همکف
کدپستی ۱۴۶۶۸۱۳۱۳۳

آگهی دعوت شرکاء به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده
شرکت نساجی پریماتکس (با مسئولیت محدود) - (منحله در حال تصفیه)
شماره ثبت ۱۰۲۵۱ – شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۱۷۰۹۳
بدینوسیله از کلیه شرکای محترم، وکلا و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۹ صبح روز ۱۷ مرداد در نشانی تهران خیابان خالد اسلامبولی پلاک ۹۸ واحد ۱۵ کدپستی ۱۵۱۱۹۵۵۱۳۹ تشکیل می گردد حضور بهم رسانند .
دستور جلسه:
۱- انتخاب مدیر تصفیه
۲- تعیین نشانی محل تصفیه
۳- سایر مواردی که در صلاحیت آن مجمع می‌باشد
مدیر تصفیه
شرکت نساجی پریماتکس (با مسئولیت محدود) - (منحله در حال تصفیه)
مسعود براتی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی
به طور فوق‌العاده شرکت آرین درمان سلامت
به شماره ثبت ۲۳۵۱۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۰۸۷۵۸
بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت به‌عمل می‌آید تادر جلسه مورخ ۱۴۰۶/۰۵/۱۶ ساعت ۸ صبح در محل رسمی شرکت حضور به هم رسانند . **دستور جلسه:** انتخاب مدیران شرکت
هیئت مدیره

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب **الهه رفیعی بلداجی** فرزند علی‌یار به شماره شناسنامه ۴۶۴۰۰۵۴۴۴۰ صادره از بروجن در مقطع کارشناسی‌ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی صادره از واحد دانشگاهی خوراسگان باشماره ۵۷۱۹۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان به نشانی اصفهان خیابان جی شرقی بلوار ارغوانیه ارسال نماید.

مدرک لیسانس اینجانب **الهه برکم** فرزند یارعلی
با شماره شناسنامه ۳۱۲۰۰۲۸۷۶۲ کد ملی ۳۱۲۰۰۲۸۷۶۲ صادره از بافت در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی بالینی صادره از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت به نشانی: کرمان، بافت، خیابان دانشگاه ارسال نماید.

برگ سبز وانت پیکان سفیدروغنی
به شماره پلاک ۴۵ایران ۵۵۴الف۱۵
شماره شاسی ۱۵۱۳۹۵۰۴
و شماره موتور ۱۵۱۶۳۰۶۴۸۰
به نام **آموزشکده فنی حرفه ای دختران کرج**
مفقود شده و فاقد اعتباراست.

برگ سبز خودرو سواری هاچ بک جک S5 سفید مدل ۱۴۰۳
به شماره پلاک ۳۸ایران ۴۴۳د۹۹
شماره شاسی NAKSH۷۶۲۰RB۱۲۳۵۱۸
و شماره موتور HFC۴GC۱۶DP۳۶۴۵۰۰۰
به نام **نیلوفر نقش** با کدملی ۰۰۲۳۷۷۶۵۵۲
در ۱۴۰۵/۴/۲۳مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز پراید سفید به شماره پلاک ۴۵ایران
۲۴۳الف۱۳ شماره شاسی s۱۴۱۲۲۸۲۹۰۴۷۰۳
و شماره موتور ۰۰۴۳۸۴۳۸
به نام **آموزشکده فنی حرفه‌ای دختران کرج**
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی مناقصه عمومی
BEHSAZ NEGAHDAR HAMI SHAHR
بهساز نگهدار حامی شهر

شرکت بهساز نگهدار حامی شهر (مسئولیت محدود) در نظر دارد نسبت به خرید اقلام مورد نیاز خود را به صورت جداگانه ۱–با برآورد اولیه (حدود) ۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال ۲– با برآورد اولیه (حدود) ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. بدینوسیله از اشخاص حقیقی و حقوقی جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید.

شرایط شرکت در مناقصه:
۱) سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت نقدی جداگانه برای هر یک از مناقصه‌های فوق واریز به حساب ۷۰۰۱۰۰۰۹۰۳۱۸۰ به نام شرکت بهساز نگهدار حامی شهر می‌باشد.
۲) مدت زمان اجرای عملیات هر دو ردیف ۵ روز
۳) پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده‌های مناقصه‌ها می‌باشد.
۴)محل دریافت اسناد: دفتر شرکت بهساز نگهدار حامی شهر به نشانی: سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر نبش خیابان مرغاب، پلاک ۱۱، طبقه همکف.
۵) مهلت دریافت اسناد و ارائه ۷ روز از تاریخ انتشار آگهی مناقصه‌ها در روزنامه می‌باشد. بدیهی است شرکت در مناقصه‌ها و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شرایط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه‌ها بوده و رعایت مفاد آیین‌نامه معاملات شرکت می‌باشد.
۶) شرکت بهساز نگهدار حامی شهر در رد یک یا تمام پیشنهادات مختار است در این صورت سپرده‌ها مسترد خواهد شد. هزینه آگهی به عهده برندگان مناقصه می‌باشد.
ضمناً مشروح شرایط مناقصه‌ها در اسناد درج شده است که شرکت‌کنندگان مدارک را پس از اخذ مطالعه با قید کلمه قبول، امضا نموده و در پاکت‌های (الف و ب) لاک و مهرشده تحویل دفتر شرکت نمایند. بازگشایی پاکت‌ها و قرائت پیشنهادها روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ ساعت ۱۰ صبح، دفتر مدیرعامل شرکت به آدرس مندرج در بند ۴ این آگهی انجام خواهد پذیرفت. حضور مدیرعامل یا اشخاص صاحب امضا شرکت‌کنندگان مناقصه در جلسه مذکور الزامی می‌باشد.
۷) شرکت کنندگان بابت خرید اسناد مناقصه مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب ۱۰۰۱۰۰۰۹۰۳۱۲۴ بانک شهر شعبه پاسداران به نام شرکت بهساز نگهدار حامی شهر واریز نمایند.
۸) اجرای ضوابط زیست محیطی و مفاد دستورالعمل (HSEPLAN) از الزامات بوده و رعایت آن از طرف پیمانکار الزامی می‌باشد
۹) سایر موارد در اسناد مناقصه تعیین گردیده است.

شرکت بهساز نگهدار حامی شهر